

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم "اسیر"
حضرت کابل - میزان ۱۳۳۰ ش

خوبان کابل

در یادداشتهای گذشته شعری را پیدا کردم که بیش از پنجاه سال قبل بقسم مشاعره با دوست عزیزم یوسف کهزاد که بر علاوه نقاشی، هنرمندی، نویسندگی، به سبک هندی شعر هم می سرایید، سروده شده است. امیدوارم این مختصر از نظر شان بگذرد و در صورت امکان شعر خود را بهمین قافیه و ردیف به پورتال محترم "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" برای نشر بفرستند.

چون بگیسوی تو برخوردند ، سنبل بافتند	گرچه این مشاطگان بسیار کاکل بافتند
سبحه و سجاده ام تر کرده در مل بافتند	در نمازم لعل میگون تو می آید به یاد
جاکت جان مرا خوبان کابل بافتند	داغدار درد هجرانم سراپا ، گوئیا
کز ازل بهر نوازشهای بلبل بافتند	نیست گل این جامه گلناری دست قضاست
خوب رویان جهان را از تغافل بافتند	طرح ریزان قضا ما را ز مضمون وفا
بهر بگذشتن [ز آب روی خود پل] بافتند	این گدایان در گدائی آبرو ریزی کنند

گر [اسیرم] ای نواسنجان گلشن باک نیست

چون قفس را بهر من از شاخه گل بافتند